



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی  
وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته اندیشه سیاسی در اسلام

**عنوان:**

## **تفاوت لوازم تبیین حکومت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و ابوالاعلی مودودی**

**استاد راهنما:**

جناب آقای دکتر نورالله قیصری

**استادان مشاور:**

حضرت آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی      جناب آقای دکتر سید صدرالدین موسوی

**پژوهشگر:**

ناصر غلامی علم

سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶

تقديم به :

---

همسره و پسره پرهاه

فرم برگه چکیده  
پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی: اندیشه سیاسی در اسلام
عنوان پایان نامه: تفاوت لوازم تبیین حکومت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و ابوالاعلی مودودی
نام و نام خانوادگی دانشجو: ناصر غلامی علم
استاد راهنما: جناب آقای دکتر نورالله قیصری
استادان مشاور: حضرت آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی و جناب آقای دکتر سید صدرالدین موسوی
تاریخ شروع پایان نامه: تیر ۱۳۸۶
تاریخ اتمام پایان نامه: خرداد ۱۳۸۷
چکیده شامل هدف تحقیق، روش تحقیق، طرح تحقیق و یافته‌ها و نتایج تحقیق
<p><b>چکیده:</b></p> <p>در این پژوهش هدف نشان دادن این مسئله است که چه الزامات متفاوتی در ساختارهای اندیشه سیاسی اهل سنت و تشیع وجود دارد که سبب تبیین متفاوت از حکومت در اندیشه سیاسی ابوالاعلی مودودی و امام خمینی (ره) می‌شود. روش پژوهش شباهتها و تفاوتهای ساختاری می‌باشد. یافته‌ها و نتایج حاصل از پژوهش به این صورت است که ساختارهای موجود در اندیشه سیاسی اهل سنت و تشیع، الزامات متفاوتی بر اندیشه سیاسی متفکر اینکه در قالب و در درون این دو سنت فکری نظریه پردازی می‌کنند، تحمیل می‌کنند، بطوریکه الزامات ناشی از ساختار اندیشه سیاسی اهل سنت در اندیشه سیاسی مودودی به صورت حکومت دموکراتیک الهی، با مشروعیت الهی - مردمی و مشارکت محدود برای زنان، و الزامات ناشی از ساختار اندیشه سیاسی تشیع در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به صورت ولایت فقیه با مشروعیت الهی (ولایی) - مردمی و مشارکت عمومی با شمول زنان تجلی پیدا می‌کند.</p>

## صفحة چكیده عربي

معهد الامام خميني (ره) و الثورة اسلاميه للداراسات و التحقيق

المرحلة: الماجستير
القسم الدراسي: التفكير سياسي في الاسلام
عنوان الرسالة: الخلاف في الاسباب لتبيين الحكومة في الآراء السياسية الامام الخميني (ره) و ابوالاعلي المودودي
اسم الطالب: ناصر غلامي علم
استاذ المشرف: الدكتور نورالله قيصري
استاذ المساعد: استاذ آيت الله السيد محمد الموسوي بجنوردي، الدكتور السيد صدرالدين الموسوي
بدايه الرساله: تير ١٣٨٦ (هـ.ش)
نهایه الرساله: خرداد ١٣٨٧ (هـ.ش)
المخلص يحتوي غايت الدراسة، منهج الدراسة، اقتراح الدراسة و نتائجها
الموجز
الغاية من هذه الدراسة ماهو الخلاف في مباني التفكير السياسية اهل السنة و الشيعة الذي يُسببُ الخلاف لتبيين الحكومة في آراء السياسية ابوالاعلي المودودي و الامام خميني (ره) الدراسة تُظهر أن الوجوه المشتركة و الوجوه المختلفه في المباني الموحدة في التفكير سياسي اهل السنة و الشيعة تلتزم المتفكرين للمذهبين التزامات مختلفة علي آراءهم السياسية حتي ظهر في التفكير سياسي اهل السنة الآراء السياسة للمودودي تقترح الحكومة الديمقراطيةيه الالهيه الشرع الالهي الشعبي و الشعبيه بالحضور الضئيل و المحدد النساء و القيود المتعلقة التفكير سياسي الشيعة تظهر في آراء الامام خميني (ره) السياسة تقترح الحكومة بصورة ولاية الفقيه الشرع الالهي (الولايي) الشعبي و يشارك فيها الشعب الرجالُ و النساءُ سوياً.

## Form of abstract paper

Education: Master's degree
Major: Political thought in Islam
Title of the thesis: The difference between the means of explaining government in political thought of Imam Khomeini (peace be upon his soul) and Abol-Aela Modoudi
Student's full name: Nasser Gholami Alam
Guide professor: Dr. Nour-elah Gheisari
Consulting professors: Mr. Ayatollah Seied Mohammad Mousavi Bojnordi; Dr. Seied Sadr-eddin Mousavi
Starting date of the thesis: June, 2007.
Date of the thesis end: July, 2008

Abstract contains the research goal, research method, research plan and research findings and results.

### **Abstract:**

This investigation aims to indicate the issue that what diverse necessities exist in foundation of Sunni and Shiite political thought, which cause different explanations of government in political thought of Abol Aela Modoudi and Imam Khomeini (peace be upon his soul). The investigation method is on differences and similarities in structures. findings and outcomes resulted from this investigation are so that the existing structures in Sunni and Shiite religions impose diverse necessities on political thought of theorists who theorize within and in the framework of these two intellectual custom . In this way, the necessities emerged from the structure of Sunni religion have appeared in political thought of Modoudi as divine democratic government with divine-human legitimacy and a limited partnership for women, and the necessities emerged from Shiite religion in Imam Khomeini's thought have appeared as the primacy of the top spiritual leader with divine-human legitimacy and with the inclusion of woman.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: چهارچوب طرح تحقیق
۲	مقدمه
۳	۱- طرح مسأله
۴	۲- ضرورت، اهمیت و هدف موضوع پژوهش
۴	۳- سؤال اصلی، سؤالات فرعی، پیش‌فرض و فرضیه اصلی پژوهش
۵	۴- سابقه پژوهش
۷	فصل دوم: کلیات مفهومی، نظری و روشی
۸	مقدمه
۹	۱- روش پژوهش
۹	۲- دولت و عناصر آن
۱۲	۱-۲- مردم یا جمعیت
۱۴	۲-۲- سرزمین
۱۶	۲-۳- حکومت
۱۸	۲-۴- حاکمیت
۱۹	۳- سیاست
۲۰	۴- مشروعیت
۲۲	۱-۴- منابع مشروعیت
۲۳	۲-۴- انواع مشروعیت
۲۳	۵- مشارکت سیاسی
۲۴	۶- اندیشه سیاسی
۲۶	۷- ساختار
۲۶	۸- تبیین و مدل‌های تبیین
۲۷	۱-۸- مدل اختیار عاقلانه
۲۸	۲-۸- مدل تفسیری
۲۹	۳-۸- مدل علی
۳۰	۱-۳-۸- تبیین ساختاری
۳۲	۹- پیامد
۳۲	۱۰- الزامات تبیین در امر حکومت
۳۲	۱۱- سنت و سنت سیاسی
۳۳	۱۲- اهل سنت
۳۳	۱۳- شیعه
۳۴	۱۴- خلافت
۳۵	۱۵- امامت
۳۶	۱۶- فقه سیاسی
۳۷	فصل سوم: حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی ابوالاعلی مودودی و الزامات آن

۳۸	۱- ساختار اندیشه سياسي اهل سنت
۳۹	۱-۱- خلافت و نظريه هاي خلافت
۴۰	۱-۱-۱- نظريه اهل حل و عقد
۴۱	۱-۱-۲- نظريه استخلاف
۴۲	۱-۱-۳- نظريه استيلاء
۴۲	۱-۱-۴- نظريه شورا
۴۲	۱-۲- عدالت صحابه و سلف صالح
۴۳	۱-۲-۱- مرجعيت سياسي صحابه
۴۴	۱-۲-۲- گذشته گرايي سياسي
۴۴	۱-۳- اجماع
۴۵	۱-۳-۱- منابع حجيت اجماع
۴۵	۱-۳-۱-۱- قرآن
۴۶	۱-۳-۱-۲- سنت نبوي
۴۶	۱-۳-۱-۳- مجلس صحابه
۴۸	۱-۴- شورا
۵۱	۲- سنت سياسي اهل سنت
۵۲	۲-۱- دوران نص گرايي صحابه
۵۳	۲-۲- ظهور فقه الخلافه
۵۵	۲-۲-۱- رابطه قدرت و فقه الخلافه
۵۹	۲-۳- اندیشه هاي جديد
۶۰	۲-۳-۱- اصول ثابت و شكل زماني حكومت اسلامي
۶۱	۲-۳-۱-۱- اصل لزوم تأسيس حكومت
۶۲	۲-۳-۱-۲- اصل شورا
۶۲	۲-۳-۱-۳- اصل وكالت
۶۳	۲-۳-۲- نظريه احياي خلافت اسلامي
۶۴	۲-۳-۲-۱- ارکان اندیشه رشيد رضا
۶۵	۲-۳-۲-۲- اصول و مباني نظريه رشيد رضا
۶۵	۲-۳-۲-۲-۱- خلافت
۶۵	۲-۳-۲-۲-۲- شورا
۶۶	۲-۳-۲-۲-۳- ولايت اهل حل و عقد
۶۶	۲-۳-۲-۲-۴- بيعت
۶۷	۲-۳-۳- نظريه علمانيت
۷۰	۳- حكومت اسلامي در اندیشه سياسي ابوالاعلي مودودي
۷۰	۳-۱- زندگينامه سياسي مودودي
۷۲	۳-۲- جامعيت اسلام
۷۳	۳-۳- ارائه برنامه سياسي- اجتماعي
۷۵	۳-۴- حاكميت خداوند
۸۲	۳-۵- حكومت اسلامي
۸۲	۳-۵-۱- ويژگي هاي حكومت اسلامي
۸۵	۳-۵-۲- اهداف حكومت اسلامي
۸۶	۳-۵-۳- خلافت عمومي مسلمانان
۹۰	۳-۵-۴- ويژگي ها و شرايط حاكم اسلامي
۹۲	۳-۵-۵- دموكراسي
۹۳	۳-۵-۵-۱- مجلس مشورتي

۹۶	۲-۵-۵-۳- حاکمیت و قانون
۹۷	۳-۵-۵-۳- جدایی قوه قضائیه از مجریه
۹۸	۴-۵-۵-۳- آزادی بیان
۱۰۰	۶-۵-۳- حکومت ایدئولوژیک
۱۰۱	۷-۵-۳- ارکان حکومت اسلامی
۱۰۱	۱-۷-۵-۳- قوه اجرائیه
۱۰۲	۲-۷-۵-۳- قوه مقننه
۱۰۳	۳-۷-۵-۳- قوه قضائیه
۱۰۳	۸-۵-۳- نقش اقلیت‌های دینی در حکومت اسلامی
۱۰۵	۴- انقلاب اسلامی
۱۰۵	۱-۴- ضرورت انقلاب اسلامی درونی
۱۰۶	۲-۴- زمینه‌ها و شرایط انقلاب اسلامی
۱۰۹	۵- الزامات حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی مودودی
۱۱۱	۱-۵- حکومت دموکراتیک الهی
۱۱۶	۲-۵- مشروعیت الهی- مردمی
۱۲۲	۳-۵- مشارکت محدود زنان
۱۲۴	<b>فصل چهارم: حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی و الزامات آن</b>
۱۲۵	۱- ساختار اندیشه سیاسی شیعه
۱۲۶	۱-۱- امامت
۱۲۸	۱-۱-۱- قاعده لطف
۱۲۹	۲-۱- ولایت و برائت
۱۳۲	۳-۱- نص وصیت پیامبر
۱۳۲	۱-۳-۱- حدیث دار
۱۳۳	۲-۳-۱- حدیث منزلت
۱۳۴	۳-۳-۱- حدیث ثقلین
۱۳۵	۴-۳-۱- حدیث غدیر
۱۳۷	۲- سنت سیاسی شیعه
۱۳۸	۱-۲- آغاز عصر غیبت تا صفویه
۱۴۰	۲-۲- عصر صفویه
۱۴۳	۳-۲- آغاز قاجاریه تا انقلاب مشروطه
۱۴۶	۴-۲- عصر مشروطه
۱۴۸	۱-۴-۲- علمای مدافع سلطنت
۱۵۰	۲-۴-۲- علمای مشروطه‌خواه
۱۵۲	۳-۴-۲- علمای طرفدار مشروعه
۱۵۴	۵-۲- دوره جمهوری اسلامی
۱۶۱	۳- حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی
۱۶۱	۱-۳- زندگینامه سیاسی امام خمینی
۱۶۱	۱-۳-۱- دوره تجربه اندوزی (۱۳۲۰-۱۲۸۱)
۱۶۲	۲-۳-۱- دوره تلاش در دو عرصه (۱۳۴۰-۱۳۲۰)
۱۶۲	۳-۳-۱- دوره مبارزه آشکار (۱۳۴۳-۱۳۴۰)
۱۶۳	۴-۳-۱- دوران تبعید (۱۳۵۷-۱۳۴۴)
۱۶۳	۵-۳-۱- دوران تأسیس و مدیریت نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۵۷)



۱۶۴	۳-۲-جامعیت اسلام
۱۶۵	۳-۳-اجرای احکام الهی
۱۶۶	۳-۴-دین و سیاست
۱۶۸	۳-۵-عدالت
۱۶۹	۳-۶-مصلحت
۱۷۱	۳-۷-حکومت اسلامی
۱۷۱	۳-۷-۱-ضرورت حکومت اسلامی
۱۷۴	۳-۷-۲-ماهیت حکومت اسلامی
۱۷۵	۳-۷-۳-مردمی بودن حکومت اسلامی
۱۷۶	۳-۷-۴-ارکان حکومت اسلامی
۱۷۶	۳-۷-۴-۱-قوه مجریه
۱۷۷	۳-۷-۴-۲-قوه مقننه
۱۷۹	۳-۷-۴-۳-قوه قضائیه
۱۸۱	۳-۷-۵-نقش اقلیت‌های دینی در حکومت اسلامی
۱۸۲	۴-انقلاب اسلامی
۱۸۲	۴-۱-زمینه‌های انقلاب اسلامی
۱۸۳	۴-۲-ضرورت انقلاب اسلامی
۱۸۴	۴-۳-عوامل پیروزی انقلاب اسلامی
۱۸۶	۵-الزامات حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی
۱۸۷	۵-۱-ولایت فقیه
۱۹۲	۵-۲-مشروعیت الهی (ولایی) - مردمی
۱۹۳	۵-۲-۱-مشروعیت الهی (ولایی)
۱۹۶	۵-۲-۲-مشروعیت مردمی
۱۹۹	۵-۳-مشارکت عمومی به شمول زنان
۲۰۴	<b>فصل پنجم: مقایسه و نتیجه‌گیری</b>
۲۰۵	۱-موارد تمایز و تشابه (حتی ظاهری)
۲۰۶	۲-مواضع خلاف و وفاق واقعی
۲۰۷	۲-۱-مبانی فکری اندیشه سیاسی مودودی
۲۰۷	۲-۱-۱-خداشناسی
۲۰۸	۲-۱-۲-انسان‌شناسی
۲۱۱	۲-۱-۳-معرفت‌شناسی
۲۱۲	۲-۲-مبانی فکری اندیشه سیاسی امام خمینی
۲۱۲	۲-۲-۱-خداشناسی
۲۱۶	۲-۲-۲-انسان‌شناسی
۲۱۸	۲-۲-۳-معرفت‌شناسی
۲۲۰	۳-لوازم و نتایج اندیشه سیاسی مودودی و امام خمینی
۲۲۰	۳-۱-مودودی
۲۲۶	۳-۲-امام خمینی
۲۳۴	۳-۳-نتیجه‌گیری نهایی
۲۴۱	منابع

# فصل اول

## چهار چوب طرح تحقیق

- مقدمه
- طرح مسأله
- ضرورت، اهمیت و هدف موضوع پژوهش
- سؤال اصلی، سؤالات فرعی، پیش فرض و فرضیه اصلی پژوهش
- سابقه پژوهش

## مقدمه

در باب حکومت، اندیشمندان بسیاری شامل مسلمانان و غیرمسلمانان نظریه‌پردازی کرده و به بحث و تفکر در این باره پرداخته و حکومت مطلوب از دیدگاه خود را طراحی کرده‌اند. اندیشمندان مسلمان متعددی متعلق به حوزه فکری تمدن اسلامی نیز حکومت اسلامی مطلوب از دیدگاه خود را مطرح کرده‌اند و ویژگی‌های آنرا بر شمرده‌اند.

در این پژوهش نظریه حکومت اسلامی از دیدگاه دو تن از متفکران مهم و تأثیرگذار حوزه تمدن اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. با این ویژگی و تفاوت نسبت به کارهایی که در این باره انجام شده است که نظریات این دو اندیشمند در ارتباط با سنتهای فکری که هر کدام از این دو اندیشمند به آن تعلق دارد مورد بررسی قرار گرفته است به این معنی که این دو اندیشمند هر کدام به یک سنت فکری تعلق دارند، یکی متعلق به سنت فکری اهل سنت که در قالب و در درون این سنت فکری به نظریه‌پردازی پرداخته است یعنی ابوالاعلی مودودی و دیگری امام خمینی (ره) که به سنت فکری تشیع تعلق دارد و در درون این سنت به اندیشه‌ورزی پرداخته است.

آنچه این پژوهش به دنبال آنست و ادعا دارد که آنرا بیان و اثبات کرده است این است که تفاوت‌هایی که در بحث حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی این دو اندیشمند وجود دارد به الزامات متفاوتی برمی‌گردد که در ساختار سنتهای فکری هر کدام از آنها وجود دارد و تفاوت لوازم تعیین مفهوم حکومت در اندیشه سیاسی این دو اندیشمند به تفاوت لوازم تبیین حکومت در اندیشه سیاسی اهل سنت و تشیع مربوط می‌شود.

روش بررسی این پژوهش در شباهتها و تفاوتهای ساختاری می‌باشد به این معنی که ویژگیها و ساختارهای اندیشه سیاسی آنها با هم مقایسه می‌شود و بیان می‌شود که این ویژگیها و ساختارها به مذهب و سنتهای فکری هر کدام از آنها برمی‌گردد.

مطالب این پژوهش در پنج فصل تنظیم و ارائه شده است. در فصل اول مقدمه و چهارچوب طرح تحقیق، در فصل دوم کلیات نظری و مفهومی ارائه شده است، در فصل سوم حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی مودودی و الزامات آن آورده شده است، در فصل چهارم حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و الزامات آن آورده شده است و در فصل پنجم و پایانی، مقایسه و نتایج ارائه شده است.

## ۱- طرح مسأله

نظریه حکومت در اندیشه سیاسی اسلام در قالب دو سنت قدرتمند اندیشه‌ورزی در امر حکومت، لوازم و الزامات، ساز و کارهای عملی، غایت و ماهیت آن سامان‌یافته است. سنتی که عمدتاً از نگرش اهل سنت به امر حکومت ناشی شده است و از این دیدگاه نسبت به امر حکومت پرسش‌گری و تأمل نموده است و سنتی که از نظریه شیعه در باب حکومت منشأ گرفته است. هر یک از این دو سنت‌داری اصول محوری هستند. «خلافت» با ویژگی‌های «عدالت صحابه و سلف صالح» و امامت با ویژگی‌های «ولایت و برائت» مهمترین آنها در سنت فکری اهل سنت و شیعه هستند. پرتو انداختن بر وجوهی از این مسأله بخصوص در دوران معاصر که گرایشهای متنوع در هر دو سنت فکری مشاهده می‌شود و علاوه بر آن این دیدگاهها آثار عملی نیز بر زندگی عمومی مسلمانها دارد، طرح این مسأله را به امری لازم مبدل می‌کند. اگرچه پرداختن به همه وجوه این مسأله مجال گسترده‌تری می‌طلبد که فراتر از وقت و حوصله این پژوهش است. با این حال بررسی «تفاوت لوازم تبیین حکومت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و ابوالاعلی مودودی» در کانون تحلیل و تمرکز این پژوهش است و در حد ظرفیتی که یک پایان‌نامه دارد به آن پرداخته می‌شود.

## ۲- ضرورت، اهمیت و هدف موضوع پژوهش

با توجه به تفاوت‌های دو سنت فکری تشیع و تسنن و تبیین‌های متفاوت آنها از امر حکومت و مسائل مربوط به آن در دوران معاصر که آثار عملی بر زندگی عمومی مسلمانها و حتی غیرمسلمانها دارد به همین سبب بررسی چرایی و به دست دادن علل تفاوت‌های این دو سنت فکری و آثار و پیامدهای عملی آنها برای فهم منطق و سازو کار عمل، مبانی مشروعیت، ساختار و ویژگی‌های نظام سیاسی مبتنی و منبعث از این سنت‌های فکری ضروری است. در این پژوهش هدف بررسی ابعادی از این مسأله با عنایت به بررسی مقایسه‌ای حکومت از دیدگاه دو تن از اندیشمندان مهم و تأثیرگذار جهان اسلام است. یکی متعلق به سنت فکری اهل سنت و دیگری متعلق به سنت فکری تشیع یعنی ابوالاعلی مودودی و حضرت امام خمینی (ره) که هر دو معاصرند، هر دو فقیه‌اند و هر دو به انقلاب اسلامی معتقدند. در نهایت با عنایت به این شباهتها می‌توان گفت مقایسه شباهتها و تفاوت‌های اندیشه آنها در امر حکومت در دوران معاصر برای تفهیم نظریه‌های دو سنت اندیشگی و همچنین یافتن راه‌هایی برای گفتگو و تفاهم و تقریب جهان اسلام مفید و مهم می‌تواند باشد. هدف دیگر این پژوهش نشان دادن این مسأله است که چه لوازم و الزاماتی در اندیشه سیاسی اهل سنت و تشیع وجود دارد که سبب تبیین متفاوت از امر حکومت در اندیشه سیاسی ابوالاعلی مودودی و امام خمینی (ره) می‌شود.

## ۳- سؤال اصلی، سوالات فرعی، پیش‌فرض و فرضیه اصلی پژوهش

سوال اصلی پژوهش عبارتست از اینکه، الزامات تفاوت در تبیین مختلف از امر حکومت در اندیشه سیاسی امام خمینی و مودودی چیست؟  
علاوه بر این برخی دیگر از پرسشها با عنوان پرسش‌های فرعی نیز در پژوهش مطرح‌اند که عبارتند از:

- الزامات تبیینی حکومت در اندیشه سیاسی به چه معناست؟

- حکومت در اندیشه سیاسی ابوالاعلی مودودی و امام خمینی (ره) چه بنیانها، ویژگیها، الزامات، لوازم،

آثار و پیامدهایی دارد؟

پیش فرض اصلی این پژوهش عبارت است از این که:

الزامات تبیینی امر حکومت در هر سنت اندیشگی به نتایج و مدلهایی از حکومت در اندیشه سیاسی اندیشه گران آنها منجر می شود که نسبت به اندیشه سیاسی اندیشه ورزان سنت های فکری دیگر متفاوت است.

فرضیه اصلی پژوهش عبارت از این است که تفاوت تبیین های دوگانه از امر حکومت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و ابوالاعلی مودودی به الزاماتی چون رژیم سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه با مشروعیت الهی (ولایی) - مردی و مشارکت عامه مردم - به شمول زنان - در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و رژیم سیاسی تنو - دموکراسی یا حکومت دموکراتیک الهی با مشروعیت الهی - مردمی و مشارکت محدود مردم در اندیشه سیاسی ابوالاعلی مودودی منجر می شود.

#### ۴- سابقه پژوهش

در ارتباط با اندیشه سیاسی این دو اندیشمند مطالبی در قالب پایان نامه، مقاله و کتاب وجود دارد که بطور مثال می توان به پایان نامه ای با عنوان «بررسی حکومت دینی در اندیشه امام خمینی و مودودی» نوشته ضمامن علی حبیبی، مقاله «امام خمینی» نوشته محمد منصورنژاد و مقاله «ابوالاعلی مودودی» نوشته غلامرضا خسروی در جلد های اول و دوم کتاب «اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی» نوشته علی اکبر علیخانی و همکاران و دو کتاب مختلف نوشته محمدحسین جمشیدی و یحیی فوزی با نام «اندیشه سیاسی امام خمینی» و مقاله «اندیشه های ابوالاعلی مودودی و جنبش احیاء طلبی اسلامی» نوشته سیدعباس عراقچی در فصلنامه مطالعات خاورمیانه اشاره کرد.

آنچه در این پژوهش جدید است و آن را از موضوعات ذکر شده در بالا جدا می‌کند موضوع پژوهش حاضر است و موضوع پژوهش حاضر این مسأله است که الزامات متفاوت از امر حکومت در اندیشه سیاسی امام خمینی و ابوالاعلی مودودی و تبیین‌های متفاوت از حکومت در اندیشه سیاسی آنها ناشی از اصولی است که به ساختار مذاهب و سنتهای فکری آنها تعلق دارد. به عبارت دیگر چه اصول و الزاماتی در سنت فکری که هر کدام از آنها به آن تعلق دارد وجود دارد که سبب تبیین‌های متفاوت از امر حکومت در اندیشه سیاسی آنها می‌شود. پرتو انداختن بر وجوهی از این مسأله هدف این پژوهش است و با توجه به این جنبه است که موضوع این پژوهش جدید است و این جنبه جدید بررسی شده است.

# فصل دوم

## کلیات مفهومی، نظری و روشی

- مقدمه
- روش پژوهش
- مفاهیم دولت و ...



## مقدمه

در این فصل به بررسی مفاهیم اساسی مطرح و مرتبط با این پژوهش در حوزه معرفت‌شناسی پرداخته می‌شود. برخی از این مفاهیم از لحاظ معرفت‌شناسی می‌تواند بیانگر نوع خاص یا ویژه‌ای از اندیشه سیاسی یا عنصری از عناصر آن باشند و یا شاید بتوان برخی از آنها را متعلق به شاخه‌های گوناگون معرفت یا دانش اندیشه سیاسی دانست.

از طرف دیگر اگر قرار است مفهوم‌های مورد استفاده قابلیت تعمیم‌دهی برای ایجاد نظریه داشته باشند، باید روشن، صریح و مورد توافق باشند زیرا زبان روزمره اغلب نامفهوم، مبهم و غیرصریح می‌باشد. مفهوم‌هایی مثل حکومت، دولت، سیاست و مشروعیت برای افراد چیزهای متفاوتی را معنی می‌بخشند و در زمینه‌های مختلف چیزهای متعددی را معین می‌کنند.

هنگامی که واژه‌ها حامل بار علمی یا فلسفی می‌شوند، به صورت «مفاهیم» درمی‌آیند. ما به یاری این مفاهیم با جهان بیرون از خود ارتباط برقرار کرده و نسبت به موضوع یا قلمرو خاصی شناخت حاصل می‌کنیم. مفاهیم هر یک از علوم و دانش‌های بشری به حوزه‌های پژوهش ویژه متفاوت مربوط می‌شود. کاوش در ویژگی‌های مفاهیم در هر حوزه پژوهش و تحلیل کم و کیف پیدایش و تحول آنها در گرو برقراری روش مدون علمی است (کاظمی، ۱۳۸۴: ۴۵). بعلاوه غرض از بحث روش‌شناسی این است که دریابیم دانشمندان، پژوهشگر و یا دانشجوی به چه وسائل و اسباب و طریقی در قلمرو خود که در اینجا اندیشه سیاسی است برای تبیین پدیده‌ها عمل می‌کند. البته طبیعی است که هر روش درجه و اعتبار خاص خود را دارد.

در این فصل ابتدا به صورت مختصر اشاره‌ای به روش پژوهش حاضر و نحوه جمع‌آوری اطلاعات می‌شود و سپس برای اینکه فضای مفهومی و معنایی مفاهیم به کار رفته مشخص باشد اشاره‌ای هرچند مختصر به معنا و مفهوم مفاهیم مهم به کار رفته در این پژوهش می‌شود.

## ۱- روش پژوهش

روش انجام این پژوهش شباهتها و تفاوت‌های ساختاری می‌باشد. به این صورت که ارکان ساختار اندیشه سیاسی اهل سنت و تشیع بررسی می‌شود و سپس با توجه به آنها اندیشه سیاسی دو اندیشمند تبیین می‌شود و سرانجام الزامات اندیشه سیاسی دو اندیشمند که متأثر از آن ساختارها می‌باشند نشان داده می‌شود. مطالب بصورت فیش‌برداری از دایرةالمعارفها، کتابها، مجموعه آثار امام خمینی، مجلات تخصصی و ... گردآوری شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

## ۲- دولت و عناصر آن

بررسی تاریخی مفهوم دولت (state) نشان می‌دهد که تا سده شانزدهم رواج سیاسی نیافته است. برای یونانیها این مفهوم شناخته شده نبود. آنها به جای آن واژه «پولیس» را به کار می‌بردند که می‌توان آنرا «شهر- دولت» نامید. شهرهای امپراتوری روم نیز از بهره‌مندان حقوق و وظایف مدنی کامل جانبداری می‌کردند. بنابراین شهر- دولتهایی یونان و روم گردهمایی بسیار همبسته گروهی بودند که با استثمار بردگان زندگی می‌کردند. شاید شفت‌انگیز باشد که متفکران و پژوهشگران سیاسی در مورد تعریف دولت توافق نظر ندارند. اختلاف نظر پیش از هر چیز به گوناگونی اندیشه‌ها در مورد سرشت دولت که بر تعریفها اثر می‌گذارد، مربوط است. نخستین کاربرد

دولت در بحث علمی به نیکولو ماکیاوولی نسبت داده می‌شود. بعد از ماکیاوولی دولت در رهیافتهای متنوع مفهوم‌سازی شده است. برخی از متفکران سیاسی دولت را در اساس یک ساختار طبقاتی می‌دانند. گروهی دیگر دولت را فراتر از طبقات و نمایانگر کل اجتماع می‌دانند. عده‌ای آن را نظام قدرت، عده‌ای دیگر نظام رفاه، برخی آن را تنظیم‌کننده زندگی جمعی، گروهی آن را نهادی اخلاقی که از رفاه و تأمین اخلاقی انسان جدایی‌ناپذیر است تلقی می‌کنند. برخی آن را از دیدگاه حقوقی محض به مثابه اجتماعی تلقی می‌کنند که طبق قانون سازمان یافته است و برخی آنرا با خود ملت یا جماعت یکسان می‌دانند. عده‌ای بر جنبه ساختاری آن تأکید دارند و برخی دیگر بر جنبه کارکردی آن تکیه می‌کنند (عالم، ۱۳۷۹: ۱۳۳ و ۱۳۴). با جمع‌بندی تعاریف مختلفی که از دولت شده است می‌توان گفت روی هم رفته سه گونه تعریف از دولت وجود دارد: تعریف حقوقی، تعریف فلسفی و تعریف سیاسی که هر از این تعریف‌ها، فهم و درک مفهوم کامل دولت را آسان می‌کند. در تعریف حقوقی گفته می‌شود:

دولت آن واحد سیاسی است که ویژگیهای زیر را دارد:

۱- جمعیت ۲- حکومت ۳- حاکمیت (انحصار قدرت).

تعریف فلسفی دولت دارای یک هدف اصلی است:

ویژگیهای ضروری و بسنده دولت کمال مطلوب، دولت خوب، یا دولت کامل را توصیف کند. از

لحاظ فلسفی سه مکتب فکری در نگرش به دولت وجود دارد:

۱- دولت برای ایجاد هماهنگی میان اجزای گوناگون و ضروری جامعه پدید می‌آید. این نظریه

فیلسوفانی مانند افلاطون، ارسطو، آباء کلیسا (اکوئیناس، آگوستین) و سیسرو تعلق دارد.

۲- دولت در نتیجه یک «قرارداد اجتماعی» به وجود آمده است. این نظریه فیلسوفانی مانند هابز، لاک و روسو تعلق دارد.

۳- دولت نتیجه مبارزه میان نیروهای متضاد اجتماعی است. مارکس و پیروان او این نظریه را ارائه کرده‌اند.

تعریف سیاسی دولت بر پایه کمال مطلوب فیلسوفانی که آن را آرزو کرده‌اند قرار ندارد، بلکه بر واقعیتهای که در گذشته وجود داشتند، اکنون وجود دارند و در آینده نیز وجود خواهند داشت متکی است. در این نظر گفته می‌شود که جامعه از صورتبندیهای بسیار ساده تا بسیار پیچیده، بر پایه تغییرات در نظام تولید، رشد یافته است. سابقه پیدایش جامعه انسانی به حدود سه میلیون سال پیش می‌رسد. هزاران سال گذشت تا اینکه انسانها سرانجام از زندگی حیوانی درآمدند و جامعه انسانی پدیدار شد. هسته اصلی این سیر تکامل انسانها، کار بوده است که سبب تولید می‌شود. هیچ جامعه‌ای وجود نداشته است که در آن تولید نباشد، زیرا انسان نیازهای اساسی دارد که بدون تولید کردن تأمین نمی‌شود. در جریان این تولید، گروهها و طبقات اجتماعی و اقتصادی پدیدار شدند و کار انسان، از او بیگانه شد. مارکس و انگلس عقیده داشتند که در روند پیدایش طبقات، کار انسان از او بیگانه شده است و انسان پیوسته در تلاش غلبه بر این ازخودبیگانگی مادی و معنوی است و تنها راه آن تسلط انسان بر روند تولید است. به عقیده آنها، فطرت روابط تولید در جامعه‌های پیشرفته، مبارزه میان طبقات مختلف برای یافتن موضع مسلط در روند تولید است و دولت محصول این مبارزه و نیز بیان آن است (صص ۱۳۷ و ۱۳۸). در این پژوهش مراد از دولت (state) هرچند که در اندیشه اسلام غالباً از آن بعنوان «حکومت» یاد می‌شود عبارت است از «ساخت قدرتی که در سرزمین معین بر مردمانی معین تسلط پایدار دارد و از نظر داخلی نگهبان نظم به شمار می‌آید و از نظر خارجی پایدار